

به نام خدای مهربان



آشنایی با  
مشاهیر  
علم

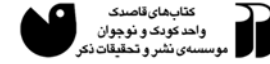
آشنایی با  
زکریای  
رازی

مهروش طهوری

کتاب‌های قاصدک  
واحد کودک و نوجوان  
نشر و تحقیقات ذکر



این اثر توسط داوران و کارشناسان دبیرخانه‌ی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر تکنولوژی آموزشی و کمک‌آموزشی آموزش و پرورش، مناسب برای دانش‌آموز متوسطه مقدماتی کلیه‌ی پایه‌ها دانسته شده است.



---

---

---

---

---

### مقدمه

در دوران نوجوانی برای من و بیشتر همسن و سالانم، دانشمندان و بزرگان این سرزمین، تنها نام‌هایی بودند در کتاب‌های درسی که بایستی حفظشان می‌کردیم و امتحانشان می‌دادیم؛ بی آن‌که حقیقتاً آن‌ها را بشناسیم و بستاییم.

محمد بن زکریای رازی نیز یکی از همین نام‌ها بود. نامی که کنار الکل و اسیدسولفوریک در یکی از قفسه‌های مغزمان بایگانی‌ش کرده بودیم تا بلکه روزی در آزمونی به دردمان بخورد و نمره‌ای برایمان بیاورد.

حال که فرصتی دست داده است تا به گذشته نگاهی بیندازم، به این یقین رسیده‌ام که در آن روزها چنان که شاید و باید نمی‌دانستم اکتشافات و تحقیقات رازی چه تأثیر عظیمی بر روند تکامل علوم عقلی و تجربی نهاده است؛ به طوری که تاریخ شیمی و پزشکی جهان



بدون نام و ابداعات وی ناقص به نظر می‌رسد.

هم‌چنین از شخصیت جذاب و اسرارآمیز او و زندگی فقیرانه و دشمنان سرسختش هیچ اطلاعی نداشتیم.

ضمناً هنوز نیاموخته بودم که برای درک عظمت آثار پیشینیان باید زمان و مکان زندگی آنان را شناخت و براساس امکانات و دانسته‌های هر عصر و سرزمینی درباره‌ی دستاوردهای علمی و فرهنگی قضاوت کرد.

بنابراین، با توجه به این تجربیات شخصی، در کتاب حاضر کوشیده‌ام تا رازی را چنان که شایسته‌ی اوست به نوجوانان ایران بشناسانم و بروجویی که متأسفانه در کتب درسی دوران متوسطه کمتر به آن‌ها پرداخته می‌شود، بیشتر تأکید کنم و امیدوارم این تلاش بی‌ثمر نماند و دست کم مشوق نسل تازه نفس ما باشد برای آشنایی با پیشینه‌ی خویش.

### علم و حکمت در ایران از ورود اسلام تا تولد رازی

در زمان خلافت عمر بن خطاب، دومین خلیفه‌ی مسلمانان، اعراب مسلمان شروع به کشورگشایی کردند و به سرعت سرزمین‌های دیگر را تحت تسلط خویش درآوردند. هنوز یک قرن از ظهور اسلام نگذشته بود که دولت اسلامی از غرب تا اندلس و از شرق تا هند گسترش یافت. با اشاعه‌ی اسلام در کشورهای گوناگون، مرزهای آن‌ها از بین رفت و ممالک پهناوری مانند ایران و مصر زیر پوشش خلافت اسلامی قرار گرفتند. به این ترتیب، زبان عربی که زبان قرآن بود، رسمیت یافت و به صورت زبان علم و حکمت درآمد.

در دوره‌ی خلافت امویان، حضور علم در کشوری مانند ایران تقریباً احساس نمی‌شد زیرا در این عصر، فرهنگ‌های مغلوبی مانند فرهنگ ایرانی دچار آشفتگی شده و مردم متفکر این سرزمین‌ها سنت‌های دیرین خویش را به دست فراموشی سپرده بودند و در غم آب و نان به

سر می‌بردند. فشاری که حکمرانان اموی بر اقوام غیر عرب می‌آوردند، عرصه‌ی حاکمیت مستقل فرهنگی را بر آن‌ها تنگ می‌کرد و به آنان امکان هیچ‌گونه تعقل و پژوهش علمی را نمی‌داد. خود حاکمان اموی نیز نه در فکر علم بودند و نه به تعالی فرهنگی مردمان مغلوب می‌اندیشیدند. آنان برای علوم طبیعی هیچ ارزشی قائل نبودند و به نظرشان این علوم فقط به درد ملل غیر عربی مثل ایرانیان می‌خورد.

بنابراین، قرن اول هجری قمری و نیمه‌ی اول قرن دوم هجری قمری، عصر رکود و تعطیل حکمت در جهان اسلام، از جمله ایران بود. البته در این میان، امامان شیعه، همگی بر اهمیت عقل و تفکر و خرد ورزی تأکید می‌کردند و با این‌که اغلب آنان، خود در معرض تعقیب و آزار خلفای حاکم بودند، هرگاه شرایط اجتماعی و سیاسی امکان فعالیت علنی و آزاد را در عرصه‌های گوناگون به آنان می‌داد، فرهنگ دانش دوستی و خردگرایی را ترویج می‌کردند و خود نیز به تربیت اندیشمندان می‌پرداختند. مجالس درس و بحث امام محمد باقر و امام جعفر صادق - علیهم السلام - و شاگردانی که آنان در حوزه‌های گوناگون علم و حکمت تربیت کردند، گواه این مدعاست.

سرانجام، سلسله‌ی امویان با شورش ایرانیان برافتاد. ایرانیان که به سرکردگی ابومسلم خراسانی، خلفای اموی را از کار برکنار کرده بودند، خلافت را به ابوالعباس از طایفه‌ی بنی‌هاشم سپردند و بدین‌گونه سلسله‌ی عباسی بر عالم اسلام حاکمیت یافت.

خلفای عباسی با آن‌که در اصل عرب بودند، با ایرانیان وصلت کردند و برخی از فرزندان ایشان رنگ و نژاد ایرانی یافتند. همین امر سبب شد که خلافت عباسیان خیلی بیشتر از خلافت امویان به ایرانیان نزدیک شود.

بعضی از خاندان‌های ایرانی مانند خاندان برمکیان که در براندازی بنی‌امیه شرکت داشتند، بعدها در دستگاه عباسی مقامی والا یافتند و همین نفوذ ایرانیان در حکومت، سبب رشد مجدد حکمت و علم در این سرزمین شد.

بغداد به دستور منصور، دومین خلیفه‌ی عباسی و به توصیه‌ی خالدبن برمک (مشاور او) ساخته شد. مهندسان و ستاره‌شناسان ایرانی محاسبات مربوط به موقعیت و بناهای این شهر را انجام دادند و پس از مدتی بغداد به صورت یکی از پر رونق‌ترین حوزه‌های علمی جهان اسلام درآمد.

در همین زمان، دانشمندان حوزه‌ی جندیشاپور به ترجمه روی آوردند و برخی از متون یونانی را به سریانی ترجمه کردند. این ترجمه‌ها شامل آثاری از افلاطون، ارسطو، اقلیدس، ارشمیدس، هرو، بطلمیوس، جالینوس و بقراط بود. ضمناً به نظر می‌رسید که در این حوزه، علم طب حیاتی نوین یافته است.

هارون الرشید خلیفه‌ی دیگر عباسی به کمک وزیر برمکی خویش، با جمع‌آوری کتب علمی و تشویق دانشمندان به ترجمه‌ی آن‌ها، در راه

پیشرفت علم در این منطقه گام مهمی برداشت و خاندان برمکیان نیز که علاقه‌ی ویژه‌ای به علوم یونانی داشتند، در ایجاد نهضت ترجمه‌ی آثار یونانی به عربی نقش عمده‌ای ایفا کردند.

موج دیگری از دانشمندان ایرانی پس از روی کار آمدن عباسیان از خراسان و ری و بلخ و حوزه‌ی علمی مرو به بغداد آمدند و در راه شکوفایی علوم عقلی و طبیعی کوشیدند.

به این ترتیب، با ظهور اندیشه‌های نو و تألیف و ترجمه‌ی کتب علمی در شاخه‌های مختلف، هم‌چنین با ایجاد مراکز فرهنگی جدید در کنار هسته‌های معرفت قدیم، نخستین ثمرات تمدن اسلامی در نیمه‌ی دوم قرن دوم هجری قمری آشکار شد. از همین دوران بود که معارف ایرانی، یونانی، هندی و... در بستر تمدن اسلامی به هم آمیختند و به سوی حوزه‌هایی چون بغداد و بصره و کوفه سرازیر شدند. جوششی که از قرن دوم هجری قمری در جهان اسلام آغاز شده بود، در طی قرون سوم و چهارم هجری قمری با شتاب بیشتری ادامه یافت. در زمان حکومت مأمون، خلیفه‌ی ایرانی نسبِ عباسی، کتاب‌ها و رسالات بیشتری ترجمه شد. در همین زمان، دانشمندان مسلمان به پژوهش‌های بنیادین و مستقلی در باب نجوم، ریاضی، پزشکی، هندسه، مکانیک و فیزیک پرداختند.

در سده‌ی سوم هجری در بغداد، مرکزی فرهنگی به نام «دارالحکمه» آغاز به کار کرد که در کتابخانه‌اش آثار دانشمندان یونانی،

ایرانی و هندی گردآوری شده بود. در این زمان به دستور مأمون رصدهایی در رصدخانه‌ی بغداد صورت گرفت و گروهی از دانشمندان برای اندازه‌گیری محیط زمین بسیج شدند. ضمناً این خلیفه مجالس بحث آزاد علمی راه می‌انداخت و خود در آن گفت‌وگوها شرکت می‌کرد. تعداد دانشمندانی که در این عصر در زمینه‌های مختلف علم و حکمت فعالیت می‌کردند، به شکل شگفت‌آوری زیاد بود و عجیب‌تر آن که در اعصار بعدی بر اثر عوامل گوناگونی از قبیل سلطه‌ی انواع فرهنگ‌های ضد عقلی و صوفی مآبانه و استبدادی، دوران شکوه و عظمت خردگرایی و علم‌طلبی به سر می‌آید.

محمدبن زکریای رازی در اوج شکوفایی علم و فرهنگ و تمدن اسلامی، یعنی در سده‌ی سوم هجری قمری به دنیا آمد و جوّ پویا و سرزنده‌ی این دوران، زمینه‌ی رشد تفکر و خلاقیت این نابغه‌ی کم نظیر جهان را فراهم آورد و هر چند طعنه‌های حسودان و غرض دشمنان، هیچ‌گاه او را آسوده نگذاشت، باز هم توانست ببالد و چراغ راه آیندگان باشد.

در آغاز زندگی محمدبن زکریای رازی، به دلیل گرایش روزافزون خلفای عباسی به تجمل و اشرافیت و گسترش تجلیات ظلم و بیدادگری در دستگاه خلافت، نهضت‌های سیاسی و اجتماعی استقلال طلبانه روز به روز گسترش می‌یافتند. رفتار بیدادگرانه‌ی خلفای عباسی با امامان شیعه و نیز ناسپاسی آنان در حق کسانی چون